



## فولکلورشناسی از روش تا معنی

مصاحبه با آقای دکتر ساروخانی<sup>۱</sup>  
تهیه و تنظیم: دکتر علیرضا قبادی<sup>۲</sup>

۱) آقای دکتر اگر موافق باشید بحث را با توضیح مختصری درباره چستی فولکلور شروع کنیم؟

۱. استاد دانشگاه تهران. سال ۱۳۱۸ در قزوین در خانواده‌ای متوسط بدنیا آمد. در سال ۱۳۴۰، با رتبه شاگرد اولی فارغ‌التحصیل از همانسال تا سال ۱۳۴۲ در قزوین به شغل دبیری زبانهای فرانسه و انگلیسی پرداخت. در همان زمان در کنکور علوم اجتماعی دانشگاه تهران موفق شد و در سال ۱۳۴۲، فارغ‌التحصیل در مقطع فوق لیسانس از همان دانشگاه شد. در سال ۱۳۴۲ با بورس شاگرد اولی عازم فرانسه شد و در سوربن به‌عنوان دانشجوی دکتری دولتی پذیرفته شد. از همانسال در دانشگاه تهران به‌عنوان استادیار پذیرفته شد. در سال ۱۳۸۰ به‌عنوان استاد نمونه دانشگاه تهران انتخاب شد. از بهترین حوزه‌های فعالیت ایشان زبان جامعه‌شناسی است. برخی از آثار وی عبارتند از: دایره‌المعارف علوم اجتماعی (در دو مجلد بعد از ۲۰ سال تلاش) که موفق به اخذ درجه کتاب برگزیده سال دانشگاه تهران شد. دو مجلد کتاب فرهنگ جامعه‌شناسی در ۱۷۰۰ صفحه از انتشارات سروش. یک مجلد فرهنگ سه‌زبان علوم اجتماعی. در حوزه جامعه‌شناسی خانواده پیش از ۱۰ کتاب و مقالات بسیاری به زبانهای فارسی، فرانسه و انگلیسی تهیه کرده است. کتاب فرهنگ و آگاهی‌های فرهنگ که قسمت آگاهی‌های خانوادگی آن بعهده ایشان بود برنده جایزه بهترین کتاب سال وزارت ارشاد گردید. حوزه دیگر جامعه‌شناسی ارتباطات است که آغازگر آن بوده است و در این حوزه نیز بیش از ۱۰ اثر فراهم آورده است. یکی از این آثار (جامعه‌شناسی ارتباطات) به چاپ چهاردهم رسیده است. در حوزه روشهای تحقیق سه جلد کتاب منتشر ساخته است و مجلد چهارم در شرف اتمام است.

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا، a-ghobadi@basu.ac.ir

**دکتر ساروخانی:** به نظرم تا به حال درباره فولکلور توضیحات متنوعی داده شده است. فولکلور واژه‌ای است که نخستین بار در سال ۱۸۶۴ از سوی ویلیام توماس مطرح شد و امروز به عنوان یکی از عناصر فرهنگ مورد مطالعه جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان قرار گرفته است. البته باید توجه داشت که نوعی نگاه ادبی نسبت به آن وجود دارد که بیشتر مورد نظر حوزه ادبیات است.

(۲) به نظر شما فولکلور را چگونه عنصری می‌توان به حساب آورد؟

**دکتر ساروخانی:** همان‌طور که گفته شد فولکلور در ژانرهای جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی و ادبی کاربرد دارد. به نظرم در همه این زمینه‌ها بهتر آن است که گفته شود این پدیده، پدیده‌ای اجتماعی است. اجتماعی بودن نکته بسیار مهمی برای فولکلور است. زیرا از متن جامعه برمی‌آید و وارد جامعه نیز می‌شود هم بر جامعه اثر می‌گذارد و هم تحت تأثیر آن است.

(۳) با این حساب چه خصوصیتی بر فولکلور مترتب است؟

**دکتر ساروخانی:** بر اساس آنچه گفته شد ما فولکلور را امری اجتماعی قلمداد کردیم. این امر نشان می‌دهد که فولکلور امری نسبی است چون شکل و قاعده و معنی آن از جایی به جای دیگر متفاوت است و بر همین مبنا می‌توان فولکلور را امری اعتباری نیز به حساب آورد. فولکلور امری پویا، چند بعدی و چند جانبه است و به همین لحاظ امری اجتماعی و فرهنگی قلمداد می‌شود.

(۴) از جمله خصوصیتی که شما در روش‌شناسی به آن توجه دارید، واقعیت زمانی

است این نکته را درباره فولکلور چگونه تبیین می‌کنید؟

**دکتر ساروخانی:** بله، فولکلور امری است تابع زمان؛ در زمان حرکت می‌کند از زمان تأثیر می‌پذیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد. در واقع رابطه فولکلور با زمان رابطه‌ای متقابل است. شرایطی که فولکلور در T1 به دست می‌آورد حتماً در T2 و T3 و ... مؤثر است. بی‌تردید زمان‌های گذشته نیز بر آن تأثیر می‌گذارند. بدین ترتیب بین زمان‌های مختلف اجتماعی و مدل‌های به وجود آمدن فولکلور رابطه وجود دارد. این گونه است که در تغییر و تحولات این زمان‌ها، تاریخ‌شناور از آغاز تا آینده ساخته می‌شود. بنده معتقدم بنابر چنین خاصیتی برای فولکلور نیز ارتباط بین سنت و مدرنیته ضروری

است. این دو به دنبال هم در همه مکان‌ها و زمان‌ها ظاهر می‌شوند و تکرار می‌گردند. (۵) استاد محترم همان‌طور که در جریان هستتید مدل‌های پژوهش از سطح تحقیقات کمی فراتر رفته‌اند و مدل تحقیقات کیفی در مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی نیز رایج شده است. در فولکلورشناسی ماهیت این پدیده چگونه است؟

**دکتر ساروخانی:** به نظر من تحقیقات فولکلورشناختی نیازمند پژوهش‌های کیفی است چرا که این نوع مطالعات، ذهنی، نمادین، توأم با نشانه‌ها و معنی‌ساز و معنی‌دار است مانند همه مطالعات اجتماعی چنین به نظر می‌آید که در این پدیده نیز مطالعات و پژوهش‌ها در مسیر مطالعات کیفی قرار می‌گیرند تا عناصر موجود در تولیدات فولکلوریک شناخته شود، معنی‌ها به دست آید و تفاسیر لازم محقق گردد. البته امروزه جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان بسیاری معتقدند در این مطالعات نباید تنها اسیر مطالعات کیفی بود بلکه در قدم‌های نخستین به اقدامات کمی گرایانه هم نیاز است که دست‌زدن به آنها اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. فولکلور امری است مرتبط با فرد و جامعه که دارای روابط متقابل در زمان و فضا است. در چنین اوضاعی، تحقیقات کمی به تنهایی نمی‌تواند کارساز باشد.

(۶) آقای دکتر عبارت کیفی بودن، ذهنی بودن، نمادین بودن و فضایی بودن تصور ویژه‌ای از فولکلور ایجاد می‌کند. اگر امکان دارد در این باره نیز توضیح بفرمایید.

**دکتر ساروخانی:** به نظر گورویچ پدیده‌های اجتماعی هم به لحاظ درونی و هم به لحاظ بیرونی از کلیت تام برخوردارند. چنان‌که مشاهده می‌شود در عرصه مطالعات جامعه‌شناسی فرهنگ این کلیت علاوه بر تامیت، پدیده‌ای است پویا و پدیده‌ای هم که از پویایی برخوردار می‌شود، چند وجهی می‌گردد به ویژه وقتی متوجه شویم که این کلیت و پویایی مظهر خواسته‌ها، اندیشه‌ها و نگرش‌های مغفوله گروه‌های انسانی هستند. لذا این وضعیت، فولکلور را به ماده‌ای حساس تبدیل می‌کند. این حساسیت‌ها نیز در ذهنیت انسان‌ها شکل می‌گیرد و از طریق ذهنیت انسان‌ها ارزیابی می‌گردد. در واقع به همین دلیل است که گفته می‌شود فولکلور با اندیشه و در عین حال با قلب آدمیان سروکار دارد.

(۷) آقای دکتر مصاحبه، مشاهده، مشاهده مشارکتی و ... از جمله روش‌هایی هستند

که برای انجام پژوهش‌ها به کار گرفته می‌شوند. به غیر از تکنیک‌های معمول باید به چه نکاتی در پژوهش‌های مربوط به فولکلور توجه داشته باشیم؟

**دکتر ساروخانی:** در پژوهش هر امری ابتدا نیاز به جمع‌آوری مواد داریم و بعد از آن اقدام تفهیمی از عناصر تشکیل دهنده ماده تولید شده که در اینجا فولکلور نامیده می‌شود. به لحاظ روش‌شناسی در این گونه مطالعات باید از حاشیه‌ای شدن، فردی شدن، جعلی بودن، شایع نبودن و کارکردی نبودن عناصر دوری جست. همان‌طور که اطلاع دارید در حوزه فولکلور افراد اهل فن و علاقه‌مندی فعالیت کرده‌اند؛ مثل هدایت، جلال آل احمد، شاملو و مرحوم انجوی که هر کدام از اینها روش‌های ویژه‌ای برای انجام کار خود داشته‌اند. در کار مرحوم انجوی امر جمع‌آوری اطلاعات با حداقل دخالت پژوهشگر انجام می‌شود و این از اشراف محقق نسبت به مطلب می‌کاهد. در حالی که مراجعه مستقیم پژوهشگر به مناطق و دست‌یابی به معتمدان، شناسنده‌ها و تجربه‌کننده‌ها، اصلی بسیار مهم در شکل‌دهی به اطلاعات است. بنابراین، مطالعات همراه با روش‌های دلفای<sup>۱</sup> و cross section در کنترل فراوانی، قدمت حرکت، زمینه بروز و سایر حرکات دیالکتیک همراه می‌گردد. همه تکنیک‌های مصاحبه و مشاهده در انواع مختلف ما را به جمع‌آوری اطلاعات رهنمون می‌سازد اما به غیر از جمع‌آوری آنچه گفته شد منجر به نشانه‌شناسی و معنی‌شناسی نیز می‌گردد.

۸) ممکن است توضیح دهید در شناخت فولکلور به غیر از روش‌های قبلی مردم‌شناسی مثل مصاحبه و مشاهده از چه روش‌های دیگری می‌توانیم بهره‌گیری نماییم؟

در شناخت فولکلور می‌توان از روش‌های جدید نیز سود جست، نظیر:  
- دلفای کیفی

که با این روش می‌توان اجماع اهل نظم و عمل در فولکلور بدست آورد.  
- گروه محوری<sup>۲</sup>

با این شیوه نیز می‌توان تعاطی اندیشه اصحاب علم و عمل در این حوزه را تحقق

1. delphy

2. focus group

بخشید.

- نظریه زمینه‌ای<sup>۱</sup>

از این ابزار پژوهشی در راه تحصیل کارکردهای فولکلور می‌توان به خوبی استفاده کرد.

- روش‌های عملی - مشارکتی (PAR)<sup>۲</sup>

استفاده از این روش‌ها موجبات شناخت جامع پدیده اجتماعی فولکلور را فراهم آورد همچنین از این طریق می‌توان ابعاد گوناگون فولکلور را احراز کرد. این نوع روش‌های معنی‌شناسی فولکلور را بدست می‌دهد.

۹) با این حال فولکلورشناسی در شناخت وصفی باقی نمی‌ماند؟

**دکتر ساروخانی:** همان‌طور که گفتم، شناخت وصفی تنها مرحله آغازین فولکلورشناسی است که مطالعات مرحوم انجوی مدلی از مطالعات وصفی بدون دخالت پژوهشگر است که البته این مطالعات با مشکلات گوناگونی هم رو به رو هستند. اما به غیر از شناخت وصفی، شناخت علی، نشانه‌شناختی، معنی‌شناختی و تفسیری نیز در این حوزه از پژوهش جای ویژه‌ای برای خود سامان داده‌اند. لذا تبعات هویت بخشی، وحدت بخشی، انطباق پذیری، ثبات یابی، تغییرپذیری و آرامش بخشی از جمله مطالعاتی است که در حیطه‌های مختلف مطرح است. رومانتیسم<sup>۳</sup> و تفسیری<sup>۴</sup> ناظر بر حوزه عناصر تشکیل دهنده فولکلور است.

۱۰) جنابعالی یکی از اساتید صاحب نظر در حوزه روان‌شناسی اجتماعی هستید،

شما چه رابطه‌ای بین فولکلور و روان‌شناسی اجتماعی قایل هستید؟

**دکتر ساروخانی:** فولکلور پدیده‌ای است که از خود آثار هیجانی به جای می‌گذارد. بنابراین هم می‌توان به وسیله فولکلور موجب رفتار هیجانی شد و هم می‌توان به

- 
1. Grounded theory
  2. participatory action research
  3. romantism
  4. Interpretive

مفاهیم و گونه‌های رفتار هیجانی دسترسی پیدا کرد. زبان هیجانی، محصول اتفاقات و آثار برخاسته از آن اتفاقات در عرصه فعالیت‌های اجتماعی است. بنابراین، هیجان‌ها به لحاظ دستیابی به شناخت افراد نسبت به خود و جمع خودی و همچنین آشنایی با دیگری در قالب عام می‌توانند پژوهشگر را برای شناخت معانی عناصر رهنمون سازند. فولکلور ابزار بسیار مهمی در تقویت ادراک حسی و فعال کردن حافظه تاریخی اجتماع خاص به حساب می‌آید. فولکلور جایگاه ویژه فرد در گروه را معین می‌سازد و با عناصر خود به لحاظ نشانه‌ای و معنایی فرآیندهای تقلید و تلقین‌پذیری را در دینامیزم گروهی هموار می‌سازد. نکته جالب اینجاست که فولکلور در قاعده روانشناختی خود اگر چه مربوط به گروهی خاص است اما تبدیل به نشانه‌ای می‌شود که فرد به واسطه آن در گروه‌های بزرگ‌تر خود را می‌شناسد. فولکلور ایجاد کننده و معرف نظام شخصیتی افراد در پیکره فرهنگی ویژه است.

(۱۱) آقای دکتر چه رابطه‌ای بین خانواده، کودکان و فولکلور وجود دارد؟

**دکتر ساروخانی:** فولکلور ماده‌ای است که هم در سطح کلان اجتماع و هم در نهادی مثل خانواده مطرح است. تصویر واقعی شخصیت افراد به ویژه کودکان در جامعه، سلسله مراتب خاصی را پشت سر می‌گذارد که مهم‌ترین آنها نهاد خانواده است. فولکلور ماده‌ای است که در جامعه و به صورت آغازین در نهاد خانواده شکل می‌گیرد و تولیدات آن در نظام خانواده و خویشاوندی - چه به صورت هسته‌ای، چه به صورت گسترده، چه به صورت نسبی یا سببی و یا حتی تعمیدی و غیره - صادر می‌گردد. لذا خانواده هم تولید کننده فولکلور است و هم کاربر آن و در این کاربری، نسل نو که همان کودکان هستند، در این حوزه تربیت می‌شوند، جامعه‌پذیری را تجربه می‌کنند و به بار می‌نشینند. بنابراین رابطه خانواده و کودکان با فولکلور رابطه‌ای بسیار نزدیک، متنوع و کارساز است.

(۱۲) آقای دکتر بارها در مباحث فولکلورشناسی گفته شده است که فولکلور احساس نوستالوژیک را در افراد تقویت می‌کند، شما در این زمینه چه احساسی دارید؟

**دکتر ساروخانی:** همان گونه که در رومانتیسم توضیح دادم این احساس یا مشخصاً این حسرت به دنبال آن است که انسان را به یاد وقایعی بیندازد که در زندگی فرد

مهم‌ترین تأثیرات را داشته است. این احساس انسان را به خود می‌آورد. انسان را از دور شدن از چیستی خود برحذر می‌دارد و بدین گونه هویت‌یابی را برای او مهیا می‌سازد. (۱۳) استاد محترم به نظر شما چه رابطه‌ای بین فولکلور و حوزه عمومی برقرار است؟

**دکتر ساروخانی:** حوزه عمومی محل ارتباط اعضای جامعه با یکدیگر است. حوزه‌ای است که مخاطبان، تماشاگران و منتقدان اجتماعی را در خود جای می‌دهد و ایشان به عنوان اعضای جامعه به نقد و نظر و تولید داشته‌های اجتماعی خود می‌پردازند. حوزه عمومی که هابرماس به ما معرفی می‌کند همان‌جایی است که افراد جامعه با خرد جمعی آشنا می‌شوند و همان‌جایی است که برای شکل‌دهی معیارهای شناخت از خرد جمعی صادر می‌شود. یکی از این معیارها تولید فولکلور است؛ تولیدی که هم درباره جمع محدود است و هم قابل فهم درباره آنها. (۱۴) به عنوان آخرین پرسش چه ارتباطی بین وسایل ارتباط جمعی (به طور مشخص صدا و سیما) با فولکلور وجود دارد؟

**دکتر ساروخانی:** گفته شد که فولکلور می‌تواند تبعاتی چون هویت‌بخشی، وحدت‌بخشی، انطباق‌پذیری، آرامش‌بخشی و ... داشته باشد. در چنین وضعیتی مهم‌ترین وظیفه صدا و سیما انتشار سبک فرهنگ عامه تا نقاط دوردست است. همچنین انتظار آن نمی‌رود که فرهنگ یا فرهنگ عامه از سوی صدا و سیما تولید شود، چون نه وظیفه صدا و سیما است و نه چنین کاری شدنی است بلکه صدا و سیما باید به وسیله پژوهشگران یا نهادهای پژوهشی خود درباره ویژگی‌های فرهنگ عامه کاوش کند و نتایج را در اختیار افراد جامعه قرار دهد تا تبعات فولکلور به بار بنشیند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی